


Esmail Yaghmaei and the Revival of Iranian National Identity in Dashtestan


Galiya Haghparast¹ , Mojtaba Mohammadi² 

Abstract

The port of Bushehr in the Persian Gulf is a treasure trove of history and civilization that has witnessed significant events over the centuries. This article explores the ancient heritage of this port and its role in archaeology. Archaeological excavations in Bushehr, which began in the late 19th century, were led by German, French, and Iranian scholars. These investigations led to the discovery of Elamite tablets and inscriptions, offering new insights into Elamite history and civilization. French archaeological missions, headed by Maurice Pézard, unearthed unknown chapters of Elamite history on the northern shore of the Persian Gulf. These discoveries highlight the significance of Bushehr as a major cultural and historical center in the region. Yaghmaei's excavations at the Achaemenid palaces of Sang-e-Siah and Bardak Siah, played a crucial role in unveiling hidden aspects of Achaemenid history and reviving the national identity of Iranians in the southern and coastal regions of the Persian Gulf. Overall, this article demonstrates that Bushehr's strategic location has made it a focal point for regional powers throughout history, and archaeological explorations in the province, including Dashtestan, have yielded valuable information about ancient Iranian civilizations.

Keywords: Persian Gulf, Bushehr, Dashtestan, Esmail Yaghmaei, National Identity.

¹ General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province, Bushehr, Iran (Corresponding Author).  g_haghparast@yahoo.com

² General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province, Bushehr, Iran.  mm.mohammadi64@gmail.com

Article info: Received: 30 September 2024 | Accepted: 25 November 2024 | Published: 1 July 2025

Citation: Haghparast, Galiya; Mohammadi, Mojtaba. (2025). "Esmail Yaghmaei and the Revival of Iranian National Identity in Dashtestan". *Sinus Persicus*, Vol. 2 (4): 137-147.

<https://doi.org/10.22034/sp.2024.490402.1021>



اسماعیل یغمایی و احیای هویت ملی ایران در دشتستان


گالیا حق پرست^۱، مجتبی محمدی^۲

چکیده

بندر بوشهر در خلیج فارس، گنجینه‌ای از تاریخ و تمدن است که در طول قرن‌ها شاهد رویدادهای مهمی بوده است. این مقاله به بررسی میراث باستانی این بندر و نقش آن در باستان‌شناسی می‌پردازد. کاوش‌های باستان‌شناسی در بوشهر، از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و توسط محققان آلمانی، فرانسوی و ایرانی رهبری شد. این تحقیقات، به کشف لوح‌ها و کتیبه‌های ایلامی منجر شد که نگاه جدیدی به تاریخ و تمدن ایلام ارائه داد. هیئت‌های باستان‌شناسی فرانسوی، به رهبری موريس پزار، با کاوش در این منطقه، بخش‌های ناشناخته‌ای از تاریخ ایلام را در ساحل شمالی خلیج فارس آشکار کردند. این اکتشافات، اهمیت بوشهر را به‌عنوان یک مرکز مهم فرهنگی و تاریخی در منطقه نشان می‌دهد. در ادامه، مطالعات باستان‌شناسان ایرانی پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه اسماعیل یغمایی در دشتستان بررسی شده است. کاوش‌های یغمایی در کاخ‌های هخامنشی سنگ‌سیاه و بردک‌سیاه، نقش مهمی در آشکارسازی زوایای پنهان تاریخ هخامنشیان و احیای هویت ملی ایرانیان در مناطق جنوبی و ساحلی خلیج فارس داشته است. در مجموع، این مقاله نشان می‌دهد که بندر بوشهر به‌دلیل موقعیت راهبردی خود همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های منطقه بوده و کاوش‌های باستان‌شناختی در این استان از جمله دشتستان، اطلاعات ارزشمندی را درباره تمدن‌های باستانی ایران در اختیار قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، بوشهر، دشتستان، اسماعیل یغمایی، هویت ملی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).  g_haghparsat@yahoo.com

۲. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر، بوشهر، ایران.

مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۰

استناد: حق پرست، گالیا؛ محمدی، مجتبی. (۱۴۰۴). "اسماعیل یغمایی و احیای هویت ملی ایران در دشتستان"، *سنیوس پرسیکوس*، سال ۲، شماره ۴: ۱۳۷-۱۴۷.

مقدمه

هویت ملی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها و نمادهایی است که افراد یک ملت را به یکدیگر پیوند می‌دهد و احساس تعلق و وحدت را در میان آنها تقویت می‌کند. در طول تاریخ، عوامل مختلفی مانند جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه، هویت ملی را تهدید کرده و موجب تضعیف آن شده‌اند. در چنین شرایطی، تلاش‌های افراد و گروه‌هایی که برای حفظ و احیای هویت ملی کوشیده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسماعیل یغمایی، یکی از این چهره‌های برجسته است که با فعالیت‌های گسترده خود در زمینه‌های مختلف فرهنگی، نقشی مؤثر در احیای هویت ملی ایران در منطقه دشتستان ایفا کرده است.

مقاله‌های چندی در سال‌های گذشته درباره سرزمین‌های پیرامونی خلیج فارس همچون خوزستان و هرمزگان نوشته شده است (رستمی و قاسمیان، ۱۴۰۲؛ Rahbar, 2023a; Rahbar, 2023b; Poodat, 2023; Hozhabri et al., 2024; Kavousi, 2024). درباره سرزمین بوشهر نیز پژوهش‌های باستان‌شناسی ارزنده‌ای انجام شده است (Hozhabri et al., 2024). بوشهر به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی خود، در طول تاریخ به کانون توجه قدرت‌های مختلف تبدیل شده و در مقاطع حساس تاریخ ایران، از جمله جنگ‌های دوگانه هرات و جنگ جهانی اول، به‌عنوان نقطه‌ای مرکزی در معادلات سیاسی شناخته شده است. با این حال، علاوه بر اهمیت سیاسی، بوشهر دارای پیشینه‌ای باستانی است که تحقیقات باستان‌شناسی در این بندر از اواخر قرن نوزدهم میلادی آغاز و با تلاش‌های باستان‌شناسان آلمانی، فرانسوی و ایرانی، اطلاعات مهمی درباره فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی این منطقه به دست آمده است. کشف لوح‌ها و کتیبه‌های ایلامی در

این بندر، به‌ویژه توسط اندریاس و موریس پزار، به روشن شدن زوایای تاریک تاریخ ایلام کمک کرده است. همچنین، کاوش‌های اسماعیل یغمایی در دشتستان، به‌عنوان یکی از مناطق باستانی استان بوشهر، به بازآفرینی هویت ملی و تاریخی ایران و شناسایی کاخ‌های هخامنشی در این منطقه انجامیده است.

این مقاله با بررسی فعالیت‌های اسماعیل یغمایی، به تحلیل نقش وی در احیای هویت ملی ایران در دشتستان می‌پردازد و اهمیت تلاش‌های او را در پاسداشت میراث فرهنگی و هویت ملی ایرانیان بررسی می‌کند.

پیشینه کاوش‌های باستان‌شناسی در استان بوشهر

بندر بوشهر، بندری است با پیشینه درخشان تاریخی که بنابر جغرافیای طبیعی خویش، در طی سالیان متمادی، سرنوشت خود و مردمان صیادش را بنابر شرایط خاص تاریخی و سیاسی‌اش با معادلات قدرت در خلیج فارس پیوند زده است. در مقاطعی حساس از تاریخ ایران که در زمانی منطقه‌های چون خراسان و نواحی شرقی ازبیک‌سو و از سوی دیگر طبرستان و کرمانشاهان و نواحی غربی ایران محور حوادث سیاسی بودند، بوشهر نیز در برهه‌ای از تاریخ خویش بنابر شرایط زمانی و مکانی‌اش محور حوادث و مسائل سیاسی ایران زمین بود (حق‌پرست، ۱۴۰۳: ۲).

رخدادهای تاریخ سیاسی معاصر ایران از جنگ‌های دوگانه هرات از نیمه اول عصر قاجار گرفته تا وقوع جنگ جهانی اول در اواخر قاجار و کشیده شدن دامنه آن به ایران و بوشهر نمونه‌ای از این حوادث و مسائل سیاسی مهم معاصر ایران و خلیج فارس است. اما جدا از این مسائل، بوشهر کنونی از پیشینه‌ای باستانی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس برخوردار بوده است (حق‌پرست، ۱۴۰۳: ۲). مطالعات باستان‌شناختی در بوشهر

این کتیبه‌های اکتشافی در بندر بوشهر را به‌عنوان یادگار سفرشان به موزه‌های پاریس، لیدن هلند و لندن فروختند (یا حسینی، ۱۳۹۱: ۵۵).

پس از حضور آلمانی‌ها در بوشهر، برای مدت زمانی این کاوش‌ها متوقف شد تا اینکه در اواخر دوران قاجار و در سال ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ ه.ق هیئت باستان‌شناسی فرانسوی به سرپرستی موریس پزار وارد این بندر شد و در هماهنگی با موقرالذوله حکمران و همچنین سرپرستی کاکس نماینده کنسولگری بریتانیا در بندر بوشهر، شروع به کاوش کردند (پزار، ۱۳۸۴: ۶۶).

پزار با استفاده از اطلاعات موجود از هیئت باستان‌شناسی آلمانی و همچنین استفاده از اطلاعات پیران و معمرین بوشهری شروع به کاوش در حوزه‌های باستانی و مناطقی چون ریشهر، سبزآباد و امام‌زاده کرد. به جرأت می‌توان گفت که کاوش‌های صورت گرفته توسط پزار و هیئت همراهش، قسمت‌های تاریک تاریخ ایلام در کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس به محوریت بندر بوشهر تا حدود زیادی آشکار شد (پزار، ۱۳۸۴: ۶۶).

مطالعات پزار پس از جنگ جهانی اول چاپ شده و مورد استقبال بسیاری عظیمی از مورخان و باستان‌شناسان قرار گرفت. به‌طوری‌که ایلام‌شناسان و خلیج‌فارس‌شناسانی چون سر آرنولد ویلسون، پیر آمیه، جورج کامرون، والتر هینتس و رومن گیرشمن و پاتس به این گزارش پزار ارجاع و استناد کرده‌اند. علاوه‌بر موریس پزار، باستان‌شناسانی چون سر اورل استاین انگلیسی که نظام آبرسانی، قنات‌ها و چاه‌های باستانی بوشهر را در دوران پهلوی اول مطالعه کرد، دیوید ویلیامسن و دیوید وایت‌هاوس نیز مطالعات عمیق و علمی درباره بوشهر انجام داده‌اند (Whitehouse and Williamson, 1973).

اما کاوش‌های باستان‌شناسان ایرانی عمدتاً

به‌طور جدی و علمی از آغاز قرن نوزدهم میلادی شروع و در دهه دوم قرن بیستم شتاب گرفت. کاوش‌ها پس از جنگ جهانی دوم پی گرفته شد و تا به امروز نیز ادامه دارد.

نکته جالب توجه اینکه تا پیش از حضور و فعالیت باستان‌شناسان اروپایی در بوشهر، مورخان ایرانی به وجود چنین آثاری در بندر بوشهر اشاره کرده‌اند اما به‌دلیل عدم برخورداری و فقدان رشد علمی ایران عصر قاجار هیچ کوششی در این زمینه به عمل نیامد. مورخانی چون میرزا فرصت شیرازی در سال ۱۳۰۳ ه.ق / ۱۸۸۹ م و همچنین محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در آثارشان با شگفتی از آثار تاریخی موجود با عنوان «غریب» یاد کرده و این آثار را از رازهای سر به مهر ایران باستان می‌دانستند. براساس اسناد و منابع موجود تاریخی برای نخستین‌بار یک پژوهشگر آلمانی به نام اندریاس دست به کاوش در آثار باستانی گورستان شغاب در بوشهر زد که به‌دنبال این اقدام قسمتی‌هایی از یک آجرنبشته ایلامی مربوط به تمدن این دوران در این گورستان کشف شد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۴۴۷).

این لوح بعدها توسط اندریاس به تاجری ارمنی از اهالی بوشهر به نام مالکوم واگذار و سپس در جریان مسافرت مارسل دیولافوا باستان‌شناس فرانسوی در عصر ناصری قسمت‌های مهمی از آن شناسایی و به موزه لوور پاریس منتقل شد. براساس گزارش‌هایی که از هیئت باستان‌شناسی آلمانی در سال ۱۸۷۶ میلادی باقی مانده است، در محل تپه باستانی شغاب در جنوب شبه‌جزیره بوشهر صدها آجرنبشته که عمدتاً متعلق به دوران کلاسیک عصر تمدن ایلام بودند کشف شد. بنا به‌نظر یکی از باستان‌شناسان آلمانی همراه اندریاس، به‌دلیل عدم توانایی مالی هیئت آلمانی در پرداخت هزینه انبار، جهت نگهداری کتیبه‌ها و آجرنبشته‌ها، این هیئت باستان‌شناسی برخی از

دشتستان را در کنار خود بوشهر و بندر سیراف برجسته کرده است، وجود آثار و محوطه‌های باستانی و تاریخی است. محوطه‌هایی که به گواه باستان‌شناسان، قدمتی چندین هزار ساله دارند اما نکته روشن و برجسته کاوش‌های باستان‌شناسی در دشتستان، پیدایش محوطه و کاخ‌های باستانی متعلق به دوره هخامنشیان است که این کشف باستان‌شناسی که در دهه پنجاه شمسی اتفاق افتاد و پس از انقلاب ادامه یافت، موقعیت این شهر را در عرصه مطالعات باستان‌شناسی ارتقاء بخشید (یغمایی، ۱۴۰۲: ب: ۴).

خدمات اسماعیل یغمایی به دشتستان و جنبه‌های ملی آن

اسماعیل یغمایی از باستان‌شناسانی است که حس ایران‌دوستی و میهن‌پرستی را با خصایص، ویژگی‌ها و روش‌مندی علمی عجین کرده است. به‌نحوی که در کاوش‌های انجام‌شده وی می‌توان نشانه‌هایی از احیای هویت ملی ایران را دید.

یغمایی سرپرست کاوش‌های کاخ‌های هخامنشی سنگ سیاه، بردک سیاه، مهرکده و آتشکده محمدآباد، مهرکده گوسعدی، محوطه‌های ایلامی و اسلامی ارگان (بهبهان)، تپه حصار دامغان، تپه قلاچی بوکان، گورستان شه زوار چاشم، گورستان شغاب بوشهر، تل بندول نورآباد ممسنی، قبرستان کلاک کرج و ... بوده است. جز نبشته‌ها و مقالات بسیار در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، مجله‌های یغما، ره‌آورد، بررسی‌های تاریخی، زنان ایران، آذین و باستان‌پژوهی، چندین کتاب همچون داستان‌های پیامبران قصص الانبیاء، فرضیه خاستگاه راستین هخامنشیان برپایه کاوش‌های باستان‌شناسی کاخ بردک سیاه، کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه پرتغالی‌ها در جزیره‌ی قسم، از برج و باروی خشتی تا برج‌های آهنی

به دوران پس از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که باستان‌شناسانی چون اسماعیل یغمایی و علی‌اصغر میرفتح در سال‌های ۶۲ و ۶۹ به بوشهر آمده و به گمانه‌زنی در گورستان شغاب پرداختند و گزارش‌هایی نیز منتشر کردند. در اوایل دهه هفتاد نیز بار دیگر اسماعیل یغمایی به همراه باستان‌شناسانی چون علی‌اکبر سرافراز و مهدی رهبر به بوشهر آمد و گزارش‌های مفصلی از آثار باستانی و تاریخی موجود در بوشهر تهیه کردند (حق پرست، ۱۴۰۳: ۳)؛ بنابراین و در یک نگاه کلی بندر بوشهر را می‌توان با توجه به مستندات تاریخی و باستان‌شناسی موجود، بندری مهم و راهبردی در معادلات شاهان و فرمانروایان ایران باستان دانست که این قدرت‌ها از طریق تسلط و نظارت بر این بندر به دنبال تثبیت، بسط و احاطه سیطره سیاسی و اقتصادی خود بر کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس بودند. چنین اهمیت و چنین پیشینه‌ای لزوم توجه بیشتر به کشفیات باستان‌شناسی در دو زمینه خشکی و دریا را ضروری می‌کند.

دشتستان آرمان‌شهر باستان‌شناسی استان بوشهر

دشتستان به محوریت و مرکزیت برازجان امروزی در شرق بندر بوشهر و در مسیر ارتباطی مهمی قرار دارد که این شهر را به کازرون و مرکز استان فارس متصل می‌کند. این منطقه نه تنها به‌عنوان پلی بین ایالت فارس و بوشهر عمل می‌کرد، بلکه از طریق مسیرهای ارتباطی باستانی، به مناطق مهمی مانند دشت جره و سرمشهد متصل بود. این مسیرها، که امروزه به‌عنوان پشت‌پر شناخته می‌شوند، از گذرگاه‌های تاریخی و حیاتی به شمار می‌رفتند. بنابراین، دشتستان به‌دلیل نقش کلیدی خود در ارتباطات و حمل‌ونقل، از اهمیت ویژه‌ای در طول تاریخ برخوردار بوده است (یغمایی، ۱۴۰۲: ب: ۳). یکی از ویژگی‌های مهمی که

هنگام کاوش سنگ سیاه به روش و عادت پیشین هر از چندگاه به بررسی دوروبر می‌پرداختم که به نشانه‌های کاخ بردک سیاه در روستای دورودگاه دست یافته و درخواست کاوش نمودم این کاخ نخست نزدیک ۶ هفته در بهار ۱۳۵۷ و پس از آن در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ کاوش شد. جز کندوکاو این دو کاخ در سال ۱۳۷۴ آتشکده و مهرکده محمدآباد، مهرکده و کوشک گوسعیدی را کاوش نمودم. هنگام کاوش این محوطه‌ها، به بررسی‌های پیمایشی و شناسایی پراکنده آثار باستانی دشتستان بزرگ نیز پرداختم. در سال ۱۳۸۸ برای تعیین حریم محوطه‌های بردک سیاه، سنگ سیاه، چرخاب، مهرکده و آتشکده محمدآباد و تل خندق به دشتستان گسیل شدم.» (یغمایی، ۱۴۰۰ و یغمایی، ۱۴۰۲ الف: ۲). بنابراین از گفته‌های خود استاد یغمایی نیز پیداست که دیرینگی استان بوشهر و دشتستان در تاریخ جنوب و خلیج فارس از سویی و از سوی دیگر انگیزه ملی و میهنی خود استاد در توجه به دشتستان و آغاز کاوش‌های علمی وی در این شهر نقش ویژه و برجسته‌ای داشته است.

در نتیجه تلاش‌های گروه باستان‌شناسی به رهبری یغمایی، کاوش‌های متعددی در دشتستان انجام شد که نه تنها برای علاقه‌مندان به تاریخ محلی جذاب بود، بلکه از نظر ملی نیز حائز اهمیت بود. این اکتشافات، پرده از رازهای پنهان این منطقه برداشتند و ابعاد ناشناخته‌ای از تاریخ و فرهنگ آن را آشکار ساختند. این دستاوردهای علمی، نه تنها برای جامعه باستان‌شناسی، بلکه برای درک بهتر گذشته این سرزمین نیز ارزشمند بود؛ چراکه گمانه‌زنی‌های علمی وی و آثاری که در سه کاخ چرخاب، بردک سیاه و سنگ سیاه و حتی محوطه باستانی گور دختر در منطقه پشت‌پر دشتستان به دست آمد، زوایای پنهان تاریخ هخامنشیان را در مناطق جنوبی و ساحلی

(پژوهشی در پیشینه‌شناسی تهران)، سنگ سیاه کاخی که دیگر نیست، هفت تپه (سفالینه‌های دوره ایلام میانه)، تأثیر فرهنگ آشوری بر ماناییان بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه قلاچی بوکان، منزلگاه‌های هخامنشی از تخت جمشید تا شوش، کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر پانزدهم دوره ایلام میانی، نیایش مهر در ایران بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی در مهرکده‌های محمدآباد دشتستان، سازه‌های ویران دشتستان، کاوش‌های باستان‌شناسی در آتشکده محمدآباد و کوشک گوسعیدی و معماری امامزاده‌های تهران را به چاپ رسانده است.

جز این موارد کتاب‌های خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی گیسوان هزار ساله، وقتی که بچه بودم نقاط امن، کتیبه خون کوماری و نیز کتاب‌هایی برای کودکان خانم پنگوئن و آقای کانگورو، سه سه تا ۹ تا و درختی که قدش به آسمان رسید از او است. در استان بوشهر و دشتستان، نام یغمایی با محوطه‌های باستانی و تاریخی پیوند عمیقی دارد. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به بردک سیاه و معبد مهر در محمدآباد اشاره کرد که یادگاری از گذشته‌های دور هستند. این مناطق به‌عنوان شاهکارهایی در میراث فرهنگی شناخته می‌شوند و ارتباط نزدیکی با نام یغمایی برقرار کرده‌اند (یغمایی، ۱۴۰۲ ج: ۱۲۵).

در استان بوشهر شروع به کار یغمایی را می‌بایست از دشتستان دانست. جایی که خود یغمایی این‌گونه می‌گوید که: «در سال ۱۳۵۰ نخستین بار همراه علی‌اکبر سرفراز سرپرست کاوش کاخ هخامنشی چرخاب، پا به خاک زرخیز و زیبای دشتستان گذاشتم. طبیعت چشم‌گیر، گستردگی آثار باستانی و دیرینگی آنجا انگیزه پای‌گیری و کاوش‌های باستان‌شناسی نگارنده گردید. از این‌رو در زمستان ۱۳۵۶ و بهار ۱۳۵۷ به کاوش کاخ هخامنشی سنگ سیاه پرداختم.

در گذشته است (در حدود ۶۰۰ پیش از مسیح) یعنی نزدیک نیم سده کم یا زیاد (۶۵۰ پیش از مسیح)، پیش از آن پارسیان در دشتستان جا گرفته بودند. کوروش نخست خود را شاه انشان می نامد و دشتستان و سرمشهد بخشی از انشان گسترده هستند. به دیگر گونه دشتستان را سرزمین مادری و وطن پارسها به شمار می آوریم. محوطه بردک سیاه پیش از کوروش نخست، آباد بوده و بومی ها در آن می زیسته اند. شکسته سفالینه های پراکنده منقوشی که از اواخر هزاره دوم پیش از مسیح یافته ایم، از آن این مردمان است و پس از آن سفالینه های ایلامی و هخامنشی سده های نخستین پیش از میلاد مسیح را در کنار همه آنها. اما تاریخ برپایی کاخ بردک سیاه را در زمان کوروش نخست به شمار می آوریم « (یغمایی، ۱۴۰۲ الف: ۱۸۷).

اهمیت و جایگاه کاوش های علمی یغمایی در خلیج فارس

تاریخ خلیج فارس از نظر کاوش های باستان شناسی به ویژه کرانه های ایرانی نیازمند کاوش های دقیق علمی بیشتری است. گزارش های موجود نشان از آن دارد که کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه کاوش های باستان شناسی پیشروتر و جلوتر از کرانه های ایرانی هستند به نحوی که طی سال های اخیر باستان شناسان دانمارکی، آلمانی، سوئدی، بریتانیایی و غیره با هزینه سنگین شیوخ خلیج فارس دست به کاوش در این کرانه ها زده اند و بیشتر آثار موجود در این مناطق را که حکایت از حضور ایرانی ها و شاهان ایرانی در این بندرها بوده اند به سود تاریخ خود مصادره کرده اند (وٹوقی، ۱۳۹۵، ج: ۵). بنابراین در مقایسه با کاوش های صورت گرفته، کاوش های علمی انجام شده در کرانه های ایرانی بسیار فقیر است. کاوش هایی که در جزیره های قشم و کیش

خلیج فارس آشکار کرد و حتی به ارائه این فرضیه انجامید که بسیاری از باستان شناسان پس از این خاستگاه اولیه هخامنشیان را منطقه دشتستان در شرق استان ساحلی بوشهر دانستند. از همین روی می توان دستاورد یغمایی را از جنبه های ملی بسیار ارزشمند تلقی کرد و همین دستاوردهاست که امروز موجب بازآفرینی هویت تاریخی و باستانی ایران عصر هخامنشیان را موجب شده است (یغمایی، ۱۴۰۲: ۱۷).

علاقه یغمایی به دستیابی به اطلاعات تام و تمامی به دوران هخامنشیان و بررسی همه جانبه یک باستان شناس ایرانی را می توان از کلام او درباره کاوش های دشتستان به خوبی دریافت: «از آنجاکه هنوز خاک شهرهای شناخته شده هخامنشی برپایه گل نرفته، کاوش و شکافته نشده و تنها بر رویه محوطه های انگشت شماری، کلنگ باستان شناسان آن هم در زمان کم زده شده است، محوطه بردک سیاه در دو موسم کاوش (با یک فاصله بیست و هفت ساله!)، یکی از نخستین سرزمین هایی که پارسیان مستقل و شاه گونه می زیستند به شمار می آوریم و نظریه هالک را که به یقین برپایه پژوهش های علمی و کهن خط شناسی استوار است یعنی تموکن رنه مه سای هخامنشی را برابر محوطه بردک سیاه در دشتستان می دانیم. توج و محوطه بردک سیاه با فاصله چند کیلومتری در یک راستا هستند. توج، بافت شهرنشین مردمی و شاید اداری و حکومتی تموکن است و بردک سیاه با ده ها کاخ باشکوه دوروبر خود منطقه سلطنتی و اعیان نشین. تموکن دشتستان و جلگه سرمشهد و به ویژه دشت بزپر از نخستین سرزمین هایی است که پارسی ها در آنجا اسکان گزیدند، پای گرفتند و بالنده شدند. از این رو باید ریشه شاهنشاهی هخامنشی را در این گستره جست و جو کرد. آرامگاه گوردختر زمانی ساخته میشود که کوروش نخست شاه انشان

به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ایرانی و میراث هخامنشی معرفی می‌کند. این رویکرد، نه‌تنها تاریخ دشتستان را احیا می‌کند، بلکه روح میهن‌دوستی را در کالبد این منطقه دیرپای بوشهر دمیده و آن را به نمادی از غرور ملی ایرانیان تبدیل می‌کند. نقشی که یغمایی در معرفی محوطه‌های تاریخی هخامنشیان در مناطق پسرکرانه‌ای خلیج فارس ایفا کرد، در نوع خود نقش سترگ و ستودنی است. یغمایی قلمرو جغرافیایی خلیج فارس را بخشی جدایی‌ناپذیر از حاکمیت سیاسی هخامنشیان معرفی می‌کند و این امر خود نشان از گستره عظیم امپراتوری هخامنشیان دارد که از طرف جنوب به کل کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان ختم می‌شده است.

برآیند

اسماعیل یغمایی با فعالیت‌های خود، نشان داد که حفظ و احیای هویت ملی، امری ضروری و حیاتی است و نیازمند تلاش و کوشش مستمر افراد و گروه‌های مختلف است. وی با الهام از فرهنگ و تاریخ غنی ایران، به ترویج هویت ملی در منطقه دشتستان پرداخت و الگویی برای سایر فعالان فرهنگی در سراسر کشور شد. میراث یغمایی، گنجینه‌ای ارزشمند از فرهنگ و هویت ایرانی است که برای نسل‌های آینده به یادگار مانده است. تلاش‌های وی در زمینه حفظ و احیای هویت ملی، الهام‌بخش نسل‌های آینده خواهد بود و موجب تقویت هویت ملی و احساس تعلق به ایران در میان ایرانیان خواهد شد.

و هرگز صورت گرفته بود، بسیار محدود بود بنابراین مجموعه کاوش‌های علمی یغمایی را در منطقه دشتستان می‌توان بسیار مهم و تأثیرگذار در تاریخ دانست. کشفیات باستان‌شناسی یغمایی از جهات گوناگون برای تاریخ خلیج فارس دارای اهمیت است. به‌نحوی که این کاوش‌ها در مناطق پسرکرانه‌ای خلیج فارس و بوشهر را که در دشتستان طی چندین فصل صورت گرفت را می‌توان مبنایی بر دلایل حضور هخامنشیان در کرانه‌های ساحلی و حتی دلیلی بر تسلط آنان بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس دانست (یغمایی، ۱۴۰۲: ج ۲۵۲).

اما به‌راستی کاوش‌های انجام گرفته از سوی یغمایی در دشتستان چه اهمیتی در تاریخ خلیج فارس دارد؟ اهمیت کاوش‌های صورت گرفته وی را می‌توان از دو جنبه علمی و ملی بررسی کرد. این کاوش‌ها که مبتنی بر مستندات باستان‌شناسی و علمی دقیق بود، اهمیت دشتستان را در معادلات منطقه‌ای هخامنشیان در خلیج فارس نشان داد. کاخ‌های مدفون شاهان هخامنشی که مربوط به دوران کورش بزرگ و داریوش بزرگ بود، شاهدی بر تاریخ غنی و باستانی این سرزمین است، اگرچه خود شهر بوشهر سابقه‌ای طولانی‌تر و ریشه در دوران ایلامی‌ها دارد. این آثار باستانی، گواهی بر غنای فرهنگی و تاریخی این منطقه است و اهمیت آن را در دوران باستان به نمایش می‌گذارد. اما از نظر ملی اهمیت کار یغمایی بسیار حائز ارزش است. خصوصیات شخصی یغمایی به گونه‌ای است که عشق به ایران و تاریخ کهن آن در تاروپود وجود ایشان تنیده شده است. سوزهای دل و اشک حسرتی که یغمایی از برای نابودی آثار تاریخی در محوطه باستانی ارجان در چند سال پیش ریخت گواهی بر این روح شریف ایران‌دوست وی دارد. یغمایی در آثار متعدد خود، دشتستان را

Bibliography | کتاب‌نامه

- بازار، موریس. (۱۳۸۴). مأموریت در بندر بوشهر: گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی، ترجمه ضیاء مصلح؛ توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی، تهران، انتشارات شروع.
- Pezard, Maurice. (2005). *Mission a bender - bouchir: documents archeologiques et epigraphiques*, Translated into Persian by Zia Mosleh; explanations and annotations by Gholam Hossein Nezami, Tehran, Shoro Publishing.
- حق پرست، گالیا (۱۴۰۳). مروری بر کاوش‌های باستان‌شناسی استان بوشهر، پرتال خبری ایرانگردان و گردشگران داخلی. Haghparsat, Galia (2024). *A review of archaeological excavations in Bushehr province, Irantourist and domestic tourists' news portal*.
- رستمی، طیبیه؛ قاسمیان، سلمان. (۱۴۰۲). «مناسبات ایران و عرب‌ها در خلیج فارس، از اردشیر اول تا پادشاهی شاپور دوم ساسانی (۲۲۴-۳۷۹ میلادی)»، پژوهشنامه ایران باستان، سال دوم شماره ۵: ۷۵-۹۹. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.389449.1038>
- Rostami, T., & Ghasemian, S. (2023). Relations between Iranians and the Arabs in the Persian Gulf from the Kingdom of Ardeshir I to Shapur II of Sassanian Empire (AD 224-379). *Ancient Iranian studies*, 2(5), 75-99. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.389449.1038>
- شیرازی، فرصت الدوله. (۱۳۷۷). آثار عجم، ج ۱، مصحح منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- Shirazi, Forsat al-Dawla. (1998). *Ajan's Works*, Vol. 1, edited by Mansour Rastegar Fasaee, Tehran, Amir Kabir Publications.
- وثوقی، محمدباقر، صفت‌گل، منصور. (۱۳۹۶). اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات سازمان بنادر و دریانوردی ایران.
- Vosoughi, Mohammad Bagher; Sefat Gol, Mansour. (2017). *Atlas of the History of Ports and Maritime Affairs of Iran*, Vol. 1, Tehran, Publications of the Ports and Maritime Affairs Organization of Iran.
- tan, Doroudgah Village", *Sinus Persicus*, 1(1), 19-22. <https://doi.org/10.22034/sp.2024.194243>
- Poodat, A. (2023). Chalcolithic and Bronze Ages of Ahven in Bashkard County, Hormozgan, Iran. *Ancient Iranian studies*, 2(7), 3-31. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.414982.1050>
- Rahbar, M. (2023a). An Investigation of Parthian-Sasanian Stuccoes of Dastowā Shushtar, Khuzestān, Iran. *Ancient Iranian stud-*
- یاحسینی، سید قاسم. (۱۳۹۱). تاریخ شهر لیان: تاریخ شبه‌جزیره بوشهر در دوران ایلامی‌ها، تهران، انتشارات صحیفه خرد.
- Yahosseini, Seyyed Qasem. (2012). *History of the City of Lian: History of the Bushehr Peninsula during the Elamite Period*, Tehran, Sahifeh Khered Publications.
- یغمایی، اسماعیل. (۱۴۰۰). سنگ سیاه کاخی که دیگر نیست، کاوش باستان‌شناسی در دشتستان، برازجان، روستای جتوط، تهران، انتشارات کارنامهک.
- Yaghmaei, Ismail. (2021). *The Sang-e Siah of the Palace That No Longer Exists, Archaeological Excavation in Dashtestan, Borazjan, Jetut Village*, Tehran, Karnamek Publications.
- یغمایی، اسماعیل. (۱۴۰۲ الف). فرضیه‌های خاستگاه راستین هخامنشیان بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی کاخ بردک سیاه، دشتستان، برازجان، روستای درودگاه، تهران، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- Yaghmaei, Ismail. (2023a). *Hypotheses of the true origin of the Achaemenids based on archaeological excavations of the Bardak Siah Palace, Dashtestan, Borazjan, Dorudgah village*, Tehran, Cultural Heritage Research Institute Publications.
- یغمایی، اسماعیل. (۱۴۰۲ ب). دشتستان بزرگ، بررسی و تعیین حریم آثار باستانی، تهران، انتشارات کارنامهک.
- Yaghmaei, Ismail. (2023B). *Great Dashtestan, Survey and Determination of the Boundary of Ancient Monuments*, Tehran, Karnamek Publications.
- یغمایی، اسماعیل. (۱۴۰۲ ج). نیایش مهر در ایران بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی در مهرکده‌های دشتستان-بrazجان، تهران، نشر دادکین.
- Yaghmaei, Ismail. (2023c). *Worship of Mitra in Iran Based on Archaeological Excavations in the Mitra Temples of Dashtestan-Borazjan*, Tehran, Dadkin Publications.
- English
- Hozhabri, A., Kamali, S. H., & Norouzi, A. (2024). "Introducing Troglodytic Spaces in Bostanu; Sasanian Rock-Cut Tombs on the Edge of the Persian Gulf", *Sinus Persicus*, 1(1), 7-17. <https://doi.org/10.22034/sp.2024.194210>
- Kavousi, D. (2024). "A Hypothesis of the True Origin of Achaemenids Based on Archaeological Excavations of Bardak-e Siāh Palace, Dashtes-

- ies, 2(6), 57-75. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.404142.1043>
- Rahbar, M. (2023b). Achaemenid Sarcophagi of Hossein-Abad in Susa, Iran. *Ancient Iranian studies*, 2(7), 33-41. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.414980.1049>
- Whitehouse, David; Williamson, Andrew. (1973). "Sasanian Maritime Trade", *Iran*, 1973, Vol. 11: 29-49.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



© 2025 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. **Open Access.** This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution,

and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Sinus Persicus is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Sinus Persicus Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Sinus Persicus. The ethical policy of Sinus Persicus is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.